

دیدگاه‌های ۳۳ تن از بزرگان امامیه درباره اعتبار احادیث شیعی

[نکته‌های پژوهشی - ۵]

حجّت الاسلام مرتضی فرح‌پور^{*}

چکیده: درباره مبانی ارزیابی اعتبار احادیث کتابهای حدیثی شیعه، دانشمندان امامی - از فقیه و متکلم و مفسر و محدث - سخنانی گفته‌اند. بسیاری از آنان عقیده دارند که ارزیابی سندی، تنها عامل در بررسی اعتبار حدیث نیست. نگارنده در این مقاله، دیدگاه‌های ۳۳ تن از دانشمندان شیعه را - از قرن چهارم تا دوره اخیر - در این زمینه آورده است که در این میان آنان، بزرگانی مانند شیخ مرتضی انصاری، مولی محمدباقر وحید بهبهانی، مولی محمد تقی مجلسی و علامه محمدباقر مجلسی را می‌توان یافت.

کلید واژه: احادیث شیعه - ارزیابی / کتابهای حدیثی - اعتبار / اعتبار حدیث - دیدگاه عالمان شیعی.

مقدمه

۱. در مورد ارزیابی حدیث و توصیف حدیث به عنوان «صحیح»، دو دیدگاه کلی میان علمای شیعه وجود دارد: دیدگاه قدماء و دیدگاه متأخران.

^{*} محقق و مدرّس، حوزه علمیه قم.

قدما، نوع احادیثی را که در کتب معتبره آمده است، «صحیح» می دانستند، با ادله خودشان. از جمله اینکه برخی از اصول چهارصدگانه به محضر امامه علیها السلام عرضه شده و امامان معصوم بر آنها صحه گذارده بودند. یک مبنای دیگر، این بود که یک حدیث در دو یا چند اصل نقل شود. و مبنای دیگر که در ادامه گفتار به تفصیل خواهد آمد.

۲. متأخران، علاوه بر آن، به سند حدیث نیز توجه می کنند، آن هم با توجه به تقسیمی که از زمان علامه حلی رواج یافت. در این نگاه سند محور، غالباً به متن نیز توجه می شود (کاری که اغلب فقهای امامیه انجام می دهند).

۳. برخی از حدیث پژوهان، چنان در سند محوری افراط کرده اند که توجه به متن حدیث و قرائن موجود در متن را از یاد برده اند. آنان با این نگاه ویژه، خود را از بسیاری از حقایق احادیث امامیه محروم ساخته اند؛ گاهی به این بهانه که دیدگاه اول را مختص علمای اخباری می دانند و سند محوری محض را وسیله ای برای گریز از نگرش اخباری قلمداد می کنند.

۴. در این گفتار، مطالبی از ۳۳ عالم، فقیه، محدث، متکلم و مفسر امامی آمده که ضرورت توجه به متن حدیث را در کنار بررسی سندی گوشزد می کند. این عالمان، از قرن چهارم تا کنون همه بر این نکته پای فشرده اند که مبدا خود را به بهانه سند محوری محض، از حقایق فراوان و بیمانندی که در احادیث امامیه آمده، محروم کنیم.

۵. مطالب این بزرگان به ترتیب زمانی مرتب شده است. به دلیل اینکه مخاطب این نوشتار، فضلا و پژوهشگران علم الحدیث هستند، از ترجمه عبارات خودداری شد. نیز در برخی موارد، سخن به اجمال و ارجاع برگزار شد که امید است در فرصتهای دیگر، به تفصیل و تکمیل مطالب اقدام شود.

سید مرتضیٰ (۳۵۵-۴۳۶)

منتقى الجمان، ج ۱، ص ۲-۳، الهداية، ص ۱۶۷.

قال المرتضى رضي الله عنه: ... إن أكثر أخبارنا المروية في كتبنا معلومة مقطوعة بصحتها، إما بالتواتر من طريق الإشاعة والإذاعة أو بأمارة و علامة دلت على صحتها.

محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶)

المعتبر، ج ۱، ص ۲۹.

وكل هذه الأقوال منحرفة عن السنن و التوسط أصوب. فما قبله الأصحاب أو دلت القرائن على صحتها، عمل به. وما أعرض الأصحاب عنه أو شدَّ يجب إطراره.

شهيد أول (۷۳۴-۷۸۶)

و لا يضرّ الإرسال، فإنّ الكليني -رحمة الله- ذكرها في الكافي و الشيخ في التهذيب. (ذكرى، چاپ سنگی، بحث استخاره، ص ۲۵۲. و نیز به نقل از آن: محدث نوری در مستدرک الوسائل چاپ سنگی، ج ۲، ص ۵۳۲؛ چاپ حروفی، ج ۲۱، ص ۴۶۵)

شهيد ثانی (۹۱۱-۹۶۵)

۱. محدث قمی در تحفة الاحباب، ذیل یونس بن عبدالرحمن می گوید: و عن الشهيد الثاني: أورد الكشّي في ذمّه نحو عشرة أحاديث و حاصل الجواب عنها يرجع إلى ضعف بعض سندها و جهالة بعض رجالها. (تحفة الاحباب، ص ۵۸۶، رقم ۷۶۳)

ميرداماد (۹۷۰-۱۰۴۱)

۱. قد يُحكم بصحة المتن مع كون السند ضعيفاً. (الرواشح، ص ۱۹۳)
۲. اذا وجدت حديثاً بإسناد ضعيف، فلا يسوغ لك أن تقول أنه ضعيف المتن بقول مطلق و نعي بالاطلاق ضعف الإسناد و المتن جميعاً بل إنما لك أن تصرّح بأنّه

ضعیف الإسناد أو تطلق القول و تعنی بالإطلاق ضعف الإسناد فقط. إذ ربما يكون ذلك المتن قد روي بسند آخر يثبت بمثله الحديث و أنت لم تظنر به. ^۱ (الرواشح. ص ۲۰۳. چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی. ۱۴۰۵ ق)

مولی محمد تقی مجلسی (۱۰۰۳-۱۰۷۰)

۱. از کتب صدوق ظاهر می شود که حدیث غیر صحیح را در کتابهای خود نقل ننموده است. (لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۱)
 ۲. چون شهادت این دو نفر [کلینی و صدوق] کمتر از شهادت اصحاب رجال نیست، یقیناً، بلکه بهتر است... (لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۵)
 ۳. کافی و ابن بابویه حکم به صحّت این اخبار نموده است. و صحّتی که ایشان می گویند، آن است که یقیناً معصوم فرموده است. (لوامع، ج ۱، ص ۱۸۸)
 ۴. اکثر اینها [...] به اعتقاد بنده صحیح است، و لکن به قانون متأخرین، این نحو ذکر می کنم. (لوامع، ج ۲، ص ۱۱۱ و ۴۱۱)
 ۵. اصول اربعمائه به محضر معصومین - سلام الله علیهم - عرضه می شد. (لوامع، ج ۶، ص ۵۴۶)
 ۶. ذکرناها علی قوانین الأصحاب، و إلا فالظاهر صحّة أخبار الکافی و الفقیه جمیعاً. (روضة المتقین، ج ۷، ص ۸۳-۸۴)
- ملاصدرا (۹۷۹-۱۰۵۰)

۱. هذا الحديث و إن كان ضعيف السند - لوقوع الضعفاء مثل سهل بن زياد و مفضل بن صالح و غيرهما في طريقه - إلا أن ذلك لا يقدح في صحته، لأنه معتضد بالبرهان العقلي. و كذلك كثير من الأحاديث الواردة في أصول المعارف و مسائل

۱. علامه محمد تقی مجلسی اؤل. در روضة المتقین، شواهد فراوانی در این زمینه آورده است. ایشان، ذیل موارد فراوانی که شیخ صدوق مرسل یا به سند ضعیف آورده، می نویسد: «رواه الكليني في الكافي صحيحاً» یا «رواه الشيخ في التهذيب مؤثقاً» و نمونه های فراوان در این زمینه در آن کتاب آمده است.

التوحيد و غيره. (شرح اصول كافي، چاپ سنگي محمودي، ص ۱۸، ذيل كتاب العقل و الجهل، ح ۲)
 ۲. ذيل حديث جنود عقل و جهل كه به طور مرفوع روايت شده، وصف بليغي
 در ارزش آن حديث دارد كه اهل تحقيق بدان مراجعه كنند. (همان، ص ۲۶، ذيل كتاب
 العقل و الجهل، ح ۱۲)

مولى محمد صالح مازندراني (۱۰۸۶-)

۱- اعلم أنّ الحديث - وإن كان ضعيفاً بأسانيد الثلاثة عند المتأخرين - لكنّه غير
 مضرّ، لأنّه أثر الصّحة في مضمونه لايح، مع تأييده بالعقل و النقل. (شرح الكافي، ج
 ۱۱، ص ۱۴۱، چاپ اسلاميه، ذيل كتاب الروضة، ح ۱)

مولى محمد بن على اردبيلي (۱۱۰۱-)

اعلم أنّ الشيخ الطوسي - قدس الله سرّه - صرح في آخر التهذيب و الاستبصار بأنّ
 هذه الأحاديث التي نقلناها من هذه الجماعة أخذت من كتبهم و أصولهم، و الظاهر
 أنّ هذه الكتب و الأصول كانت عنده معروفة كالكافي و التهذيب. و غيرهما عندنا
 في زماننا هذا كما صرح به الشيخ محمد بن علي بن بابويه - رضي الله عنه - في أوّل
 كتابه من لا يحضره الفقيه. فعلى هذا لوقال قائل بصّحة هذه الأحاديث كلّها و إن كان
 الطريق إلى هذه الكتب و الأصول ضعيفاً إذا كانوا مصنّفوا هذه الكتب و الأصول و ما
 فوقها من الرجال إلى المعصوم ثقات، لم يكن مجازفاً. (جامع الروايع، ح ۲، ص ۵۴۸)

علامه محمد باقر مجلسي (۱۰۳۷-۱۱۱۰)

۱. ايشان بارها بر اين نکته تأكيد مي ورزد كه حديثي با وجود ضعف سند،
 مضامين آن صحيح است.

نك: اربعين، ص ۳۳۶، ۳۶۶، ۴۷۱، ۴۹۷، ۴۷۹، ۵۰۹.

مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲.

۲. ذيل احاديث متعددي در كافي و تهذيب مي نويسد:

«ضعیف علی المشهور معتمد عندي» یا «ضعیف علی المشهور معتبر عندي»

نک: مرآة العقول، ج ١، ص ١٢٢؛ ج ٢، ص ١٥٢؛ ج ٧، ص ٣٦٨ و... نیز ملاذ الاحبار، ج ١٢، ص ٢٨٨؛

ج ١٣، ص ١٧٢.

٣. در مورد زیارت جامعه کبیره می فرماید: نفس هذه الزيارة شاهد عدل علی

صحّتها. (ملاذ الاحبار، ج ٩، ص ٢٢٧)

٤. خطبة الوسيلة [ضعیف]، لکن هذه الأخبار، قوّة مبانیها و رفعه معانیها تشهد

بصحّتها و لا تحتاج إلى سند. (مرآة العقول، ج ٢٥، ص ٣٥)

٥. [در مورد خطبة طالوتیه] ضعف علی مصطلح القوم، لکن بلاغة الكلام و

غرابة الأسلوب و النظام تأبى عن صدوره عن غیر الإمام علیه السلام. (مرآة العقول، ج ٢٥،

ص ٧٠)

٦. حدیث «ثلاثة لا ينظر إليهم...» را در مرآة العقول، ج ٤، ص ١٩٣-١٩٤ (طبق

مبانی متأخرین) مجهول دانسته، ولی خود در حق یقین، ص ٥٢٠ و نظم اللثالی،

ص ٢٢٢، همان حدیث را به «سند معتبر» دانسته است.

٧. الصدوق أعرف بصدق الأخبار و الوثوق علیها من ذلك البعض... بل ليس

جرم اكثر المقدوحين من أصحاب الرجال إلا نقل مثل تلك الأخبار. (بحار الانوار، ج ٥٢،

ص ٨٢)

٨. در مقدمه شرح صحیفه گوید:

اعلم أنّ علماءنا السلف - رضوان الله عليهم - لم يهتموا بضبط أسانيد الدعوات و

تکثیرها، اهتمامهم بها في سائر العبادات و الأحكام لأمر...

الثالث: أنّ كثيراً من الدعوات تشهد فصاحة عباراتها و غرابة أساليبها علی كونها

صادرة من معادن النبوة و الخلافة، بل لا يجوز ذو فطرة سليمة و فطنة قویمة صدورها

عن غیرهم علیهم السلام و أدعية الصحیفه كذلك كما لا يخفى.

مع أنّها لاشتهارها مستنفضة، بل متواترة معلومة الصدور عنّ أهمها صلوات الله

عليه؛ كما أن سائر الكتب المشهورة معلوم الانتساب إلى مؤلفيها، مع قطع النظر عن أن الطرق من علمائنا إليها كثيرة مذكورة في كتب الإجازات، و نقل الأدعية منها الشيخ وغيره من أكابر القوم و لكل من العلماء إليها طريق عن مشيختهم... فإذا عرفت هذا، فاعلم أنهم إنما ذكروا سنداً واحداً في أوّل الصحيفة، لاتصال السند اعتماداً على اشتهاها؛ فلا ينظر إلى حال رجال سندها، ولا يضر جهالة بعضهم. (الفرائد الطريفة في شرح الصحيفة الشريفة، جاب اصفهان: مكتبة العلامة المجلسي، ١٤٠٧ ق، ص ٩٧)

سَيِّد نِعْمَةَ اللَّهِ جَزَائِرِي (١٠٥٠-١١١٢)

١. در مورد سند صحيفه سجاديّه مي نويسد:

أبو الحسين محمد بن الحسن حاله مجهول في الرجال، كحال الخازن و الخطاب و البلخي. و هو غير قاذح لتواتر هذه الصحيفة الشريفة بين الخاصة و العامة، حتى أن الغزالي و غيره سموها إنجيل أهل البيت و زبور آل محمد عليهم الصلوات. و إنما زينها أصحابنا - رضوان الله عليهم - مسندة، تيمناً و تبركاً باتصال روايتها بالمعصوم عليه السلام مع أن هؤلاء من المشايخ الإجازة لاهل الرواية، فلا يضر جهالة حالهم. مع أن إعجاز أساليبها و بلوغها الغاية التصوي من البلاغة، شاهدان عدلان على أنها إنما صدرت من تلك الأنفاس القدسيّة و النفحات السبحانيّة. (حاشية محدث جزائري بر صحيفه سجاديّه، نسخه خطي ٥٤٨١ كتابخانه مجلس به نقل: سفينه، شماره ٩، ص ١٠١)

٢. درباره احاديث توحيد صدوق گويد:

اعلم أن أسانيد الأخبار المذكورة في هذا الكتاب، و إن كان أكثرها غير نقّي بالاصطلاح الجديد، لكن هذا لا يقدح فيها من وجوه:

منها: إنها صحيحة باصطلاح المتقدمين؛ فإن الصحيح عندهم ما تكرر في كتب الأصول الأربعمئة أو الكتب، او ما قامت لهم قرينة على صحته و صدوره عن الإمام عليه السلام، و إن كان رواه فاسدي العقيدة، سيما الأخبار التي يرويها الصدوق طاب

ثراه في مؤلفاته، فإنه يتعهد بوضوح أسانيدها عنده.

و منها: أن أكثر هذه الروايات الواردة في الأصول مأخوذة من كلام سيد الموحدين عليه السلام، وطبقات فصاحتها شاهد عدل على صحتها، وإن وصلت إلينا على طريق الإرسال.

و منها: أن الأخبار المروية في هذا الكتاب أكثرها موافق لما في الكافي، و هي هناك مذكورة بالطرق المعتمدة، فلا يضرها أنها غير صحيحة بطرق المجتهدين. (نور البراهين، ج ١، ص ٤٦-٤٧. ذيل باب ١ كتاب التوحيد)

٣. لا ريب أن كلمات هذه الخطبة و ينبوع هذه الفصاحة لا يصدر إلا عن أمير المؤمنين عليه السلام، فلا حاجة لها إلى تفاوت السند، بل الطريق في أمثالها إنما هو للتمين و التبرك و رعاية العتنة.

(همان كتاب، ج ١، ص ٩٥-٩٦. ذيل كتاب التوحيد صدوق. باب التوحيد و نفى التشييد، ح ٢)
٤. هذه الخطبة أكثر كلماتها مأخوذ من خطب أمير المؤمنين عليه السلام، فلا يقدح فيها عدم نقاوة الطريق. (همان كتاب، ج ١، ص ١٢١. ذيل كتاب التوحيد صدوق. باب التوحيد و نفى التشييد، ح ٣)

٦- قال شيخنا المحقق (= علامه مجلسي) أبقاه الله تعالى: هذا الخبر مأخوذ من الكافي، و فيه تغييرات عجيبة تورث سوء الظن بالصدوق و أنه إنما فعل ذلك ليوافق مذهب أهل العدل...

أقول: لعل الصدوق - رحمة الله - نقل هذه الرواية برواية الكليني لكن من غير الكافي، إما من محفوظاته أو من باقي كتبه، و إلا فنسبة التحريف في الخبر ليوافق المذهب، مما لا يمكن نسبته إلى الصدوق. (همان كتاب، ج ٢، ص ٢٨٢. ذيل كتاب التوحيد صدوق. باب السعادة و الشقاوة، ح ١)

سید علی خان مدنی (۱۰۵۲-۱۱۲۰)

۱. لَمَّا كَانَتْ نِسْبَةُ الصَّحِيفَةِ الشَّرِيفَةِ [السَّجَادِيَّةِ] إِلَى صَاحِبِهَا عليه السلام ثَابِتَةً بِالِاسْتِفَاضَةِ الَّتِي كَانَتْ تَبْلُغُ حَدَّ التَّوَاتُرِ، لَمْ يَقْدَحْ فِي صَحَّتِهَا الْجَهْلُ بِأَحْوَالِ بَعْضِ رِجَالِ إِسْنَادِهَا. (رياض السالكين- ج ۱، ص ۵۸)

مولی ابوالحسین فتونی عاملی (۱۰۷۰-۱۱۳۸)

۱. ایشان در سال ۱۱۰۵ رساله‌ای نوشته تحت عنوان «تنزیه القمیین عن المطاعن». این رساله با تحقیق کاظم جواهری در مجله تراثنا شماره ۵۲ (۱۴۱۸) ص ۱۶۳-۲۴۲ چاپ شده است. ایشان در این رساله، به کلام یکی از بزرگان پاسخ داده که گفته بود: «محدثان قمی به جز صدوق، مجبّره و مشبّه بوده‌اند و یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان به قیاس عقیده داشته، بدان عمل می‌کردند.»

در صفحه ۲۳۶ پس از ذکر ادله در تأیید محدثان قمی می‌نویسد: جرح این همه عالم، شهادت یک عادل واحد است که در برابر این همه معارض اعتبار ندارد.

۲. ایشان بحثی مفصل در مورد غلو در مقدمه تفسیر مرآة الانوار (ص ۵۹-۶۹) چاپ اسماعیلیان) مطرح کرده که بسیاری از مصادیق غلو را که در کتابهای رجالی آمده، نقد و بررسی می‌کند. به آن رجوع شود.

مولی محمدباقر وحید بهبهانی (۱۱۱۸-۱۲۰۶)

۱. و المَحْتَقُ فِي الْمَعْتَبَرِ [...] بَالِغٌ فِي التَّشْنِيعِ عَلَيَّ مِنْ اِقْتِصَرَّ عَلَيَّ الصَّحِيحِ. (الفوائد الحائرية، ص ۴۸۸)

۲. بل الصحيح لا يعارض المنجبر المذكور، كما هو المعروف المشهور من فقهائنا المتقدمين و المتأخرين، و حَقَّقْنَاهُ وَ اثْبَتْنَاهُ فِي مَلْحَمَاتِ الْفَوَائِدِ الْحَائِرِيَّةِ. (مصايح الظلام، ج ۱، ص ۱۰۲)

۳. ... و أيضاً منجبرة بفتوى المتقدمين و المتأخرين. (همان، ج ۳، ص ۱۱۶)

۴. و لایضراً الإرسال، أمّا أولاً... حمّاد ممّن أجمعت العصابة على تصحيح ما يصحّ عنه. و أمّا ثانياً فلإنجبارها بالشهرة العظيمة. (همان. ج ۳. ص ۲۶۰)
۵. و هذه الروایات، و إن كانت ضعيفة الإسناد، إلّا أنّها منجبرة بالقواعد الشرعیة و بعمل الأصحاب... و المنجبرة أقوى من الصحیحة. (همان. ج ۳. ص ۲۹۵)
۶. و هذه الروایة لاتتصر عن الصحیح لو لم یکن أقوى منها، لوجودها في الكتب المعتمدة عن الكلینی و الصدوق و الشیخ، مع أنّ الكلینی و الصدوق قالوا في أول کتابیہما ما قالوا. (همان. ج ۵. ص ۵۰۸)
۷. و قصور السند باین فضال، و الإرسال غیر مضرّ، بعد الانجبار بعمل أكثر الأصحاب. (همان. ج ۶. ص ۴۴)
۸. در کتاب الفوائد الحائریة، فائدة ۲۲، حدود جهل وجه در اعتبار حدیث می شمارد.^۱
۹. بل الخبر المنجبر بعمل الأصحاب، أقوى من الصحیح - من حدیث هو الصحیح - بمراتب شتی، و بالتبول أحرى. و بناء الفتناء في الأعصار و الأمصار كان كذلك إلى زمان صاحب المدارك. (الفوائد الحائریة. ص ۱۲۳)
۱۰. عند معارضة الضعیف المنجبر مع الصحیح الغير المنجبر، یرجح ذلك الضعیف على ذلك الصحیح كما ستعرف. (الفوائد الحائریة. ص ۲۸۸-۲۸۷)
۱۱. ممّا ذکر ظهر أيضاً أنّه إذا وقع التعارض بین الضعیف المنجبر بالشهرة و الصحیح الغير المنجبر، یكون الضعیف مقدماً علیه كما هو طریقة التدماء و اکثر المتأخرین. (الفوائد الحائریة، ص ۴۹۱)
۱۲. بل و ربّما كانت مثل الروایة بالمعنی و نظائرها سبباً [أي للضعیف]، و لعلّ من أسباب الضعف عندهم قلة الحفظ و سوء الضبط، و الروایة من غیر إجازة، و

۱. ترجمه این گفتار در نوشتاری تحت عنوان «بحث درباره ضوابط ارزیابی احادیث» در سغینه شماره ۱۸، ص ۱۷۶-۱۸۷ آمده است. (ویراستار)

الرواية عمّن لم يلقه، و اضطراب ألفاظ الرواية...

وكذا نسبة الغلوّ عندهم، حتّى تراهم أنّ نفي السهو عنهم عليه السلام غلوّ، بل ربّما جعلوا نسبة مطلق التفويض إليهم، أو المختلف فيه، أو الإغراق في تعظيمهم، ورواية المعجزات عنهم و خوارق العادات لهم، أو المبالغة في تنزيههم من النقائص، و إظهار سعة قدرتهم، و إحاطة العلم بمكونات الغيب في السماء و الأرض، ارتفاعاً موجباً للتهمة.

(القوائد البهبائية، ص ٨، ذيل رجال الخاقاني، ص ٣٧، بنگريد: هامش مقياس الهداية، ج ٢، ص ٢٩٧)

[به نقل: مقدمة التحقيق كتاب الوصية عيسى بن مستفاد، چاپ مكتبة

اميرالمؤمنين عليه السلام، مشهد، ص ٢٥-٢٦]

موارد فراوانی به این مضمون در مصابيح الظلام هست. بنگريد: ج ١٠، ص

٤٧٢، ٤٠٠، ٥١، ٤١٢، ٧٣، ٢٤.

ج ٥، ص ٣٢٨، ٣٣٥

ج ٤، ص ٢٦٤، ٩٣، ٤٢٢.

ج ٣، ص ٢٦٠، ١١٦.

ج ٢، ص ٤٠٨.

ج ٨، ص ٥٠٨.

نقل قول از وحيد بهبهانی در مستدرکات علم الرجال مرحوم نمازی ٦١/١.

مولی مهدی نراقی (١١٢٨-١٢٠٩)

١. و إن كانت ضعيفة إلا أنّ الرواية معتبرة لوجودها في الأصول المعتبرة. (استند

الاحكام، ج ١٧، ص ٣٢٤)

٢. و لا يضرّ ضعف الروايات بعد وجودها في الأصول المعتبرة. (همان، ج ١٥،

ص ٣١)

٣. للمرويّ في المصباح المنجبر ضعفه بالاشتهار. (همان، ج ١٥، ص ١٦١)

٤. و وصف الروایتین بعدم الصحّة - مع أنّه غير ضائر عندنا مع وجودهما في الأصول المعتمدة و انجبارهما بالإجماع المحقّق و المحكّي مستفيضاً... غير جيّد. (همان، ج ١٧، ص ١٧)

٥. و تضعيف هذه الرواية - مع انجبارها بما مرّ حتّى اشتهرت بالمقبولة - غير جيّد أيضاً... هذا مع أنّ في السند قبلهما صفوان بن يحيى، و هو ممّن نقل إجماع العصابة على تصحيح ما يصحّ عنه. (همان، ج ١٧، ص ١٩)

سيّد علي طباطبائي (١١٦١-١٢٣١)

١. المعتمدة المنجبرة قصوره بالجهالة، بعمل الطائفة. (رياض المائل، ج ١٣، ص ٤٨٢)
در اينجا قانونی کلی بيان می دارد که: حدیثی را که علما به آن اعتنا و اعتماد کرده اند، گرچه سندش مجهول و ضعیف باشد، معتبر شمرده می شود.
٢. مضافاً إلى الخبر المنجبر قصوره أو ضعفه بالعمل. (همان، ج ٥، ص ١٠)

سيّد عبدالله شبر (١١٨٨-١٢٤٢)

١- فهي [= الزيارة الجامعة] كسائر كلامهم، الذي يُغني فصاحة مضمونه و بلاغة مشحونه عن ملاحظة سنده، كنهج البلاغة و الصحيفة السجادية و أكثر الدعوات و المناجاة. (الأنوار الامعة، طبع امين، ص ١٤)

محمد حسين اصفهاني (-١٢٥٤)

ایشان در باب تعدّد الفاظ ذمّ گوید:
و منها قولهم: ضعيف، أو ضعيف الحديث. و هو غير صريح في التنسيق، لجواز أن يكون التضعيف من جهة الاعتماد على المراسيل، كما هو الظاهر من الأخير، ولو صرح بذلك لم يقدح قطعاً، وإن عدّه بعضهم قادحاً، كما عن كثير من التميميين.
الفصول الغروية، ص ٣٠٤ [بنگريد: هامش منتهى المقال، ج ١، ص ١١٣]

[به نقل: مقدمة التحقيق كتاب الوصية عيسى بن مستناد، چاپ مكتبة اميرالمؤمنين عليه السلام، مشهد، ص ۲۵]

شیخ مرتضیٰ انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱)

۱. ایشان درباره حدیثی که سندش ضعیف باشد، می گوید: اگر کسی از سلیقه و رویه محدثان قم آگاه باشد که آنان خبر ضعیف را - در حالتی که محفوف به قرائن نباشد - نقل نمی کردند... فهذا مما یوجب الاعتبار فی الجملة. (مکاسب محرّمه، آخرین صفحه از چاپ تبریز)

۲. إنَّ السَّيِّدَ (= الشَّريف المرتضى) يدَّعي تواترها (أحاديث) أو احتفافها بالقرينة المفيدة للعلم، كما صرَّح به في محكيِّ كلامه في جواب المسائل التَّبانيات من أنَّ أكثر أخبارنا المروية في كتبنا معلومة مقطوع على صحتها إمَّا بالتواتر أو بأماره و علامة تدلُّ على صحتها و صدق رواتها فهي موجبة للعلم مفيدة للقطع و إن وجدناها في الكتب مودعةً بسندٍ مخصوص من طريق الأحاد. (رسائل، ص ۹۲، چاپ سنگی، ۱۳۲۶ قمری، خط مصطفیٰ نجم آبادی: افست مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری)

.... و لا يخفى أنَّ شهادة مثل هذا المحدث الغواص في بحار أنوار أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام لعمل أصحاب الأئمة بالخبر الغير العليّ و دعواه به حصول القطع له بذلك من جهة التواتر، لا يقصر عن دعوى الشيخ و العلامة الإجماع على العمل بأخبار الأحاد و سيأتي أنَّ المحدث الحرّ العامليّ في الفصول المهمة ادّعا أيضاً تواتر الأخبار بذلك.

و منها [دلائل عمل به خبر واحد] ما ذكره شيخنا البهائيّ في مشرق الشّمسین: ان الصحيح عند القدماء ما كان محفوفاً بما يوجب ركون النفس اليه.

... و ليس هذا مثل الصحيح عند المتأخّرين... فالمراد أنَّ المقبول عندهم ما تركن

إليه النفس و تثق به... (رسائل، چاپ افست مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری، ص ۹۸)

و مثل ما في الاحتجاج عن تفسير العسكري عليه السلام في قوله تعالى: «و منهم أمّيون

لا يعلمون الكتاب الآية» من أنه قال رجل للصادق عليه السلام: فإذا كان هؤلاء التوم من اليهود والنصارى... إلى أن قال... أولئك أضرب على ضعفاء شيعتنا من جيش يزيد - لعنة الله عليه - على الحسين بن علي عليه السلام. انتهى.

دَلُّ هذا الخبر الشريف، اللَّائِحُ منه آثار الصدق على جواز قبول قول من عرف بالتحرُّز عن الكذب... (رسائل. ص ۸۵-۸۶)

میرزا ابوالفضل تهرانی (۱۲۷۳-۱۳۱۶)

۱. صدوق، به نحو ارسال - که کمتر از غالب مسانید نیست - ... (شفاء الصدور. ص ۲۸۵، طبع سنگی، ۴۰۰/۱: بنگرید: ص ۳۹۴، طبع سنگی، ۱۶۷/۲، چاپ دو جلدی)

۲. [سند زیارت عاشورا] بر مبنای قدماء سند صحیح است. و بر مبنای متأخرین، یا صحیح است یا حَسَن و بر مبنای من، حَجَّت می باشد. (شفاء الصدور. ص ۴۸-۴۷، چاپ سنگی و ۷۲-۶۴/۱ چاپ دو جلدی)

حاج آقا رضا همدانی (- ۱۳۲۲)

۱. اعتماد کلینی و صدوق، اطمینان بخش تر از توثیق دانشمندان رجال است. و کیف کان فالروایة بحسب الظاهر من الروایات المعتبرة التي لا يجوز ردها من غیر معارض مکافی إذ لیس المدار عندنا فی جواز العمل بالروایة علی اتصافها بالصحة المصطلحة، وإلا فلا یکاد یوجد خبر یمکننا إثبات عدالة رواتها علی سبیل التحقیق، لولا البناء علی المسامحة فی طریقها، والعمل بظنون غیر ثابتة الحجیة.

بل المدار علی وثاقه الراوی، أو الوثوق بصدور الروایة، و ان کان بواسطه القرائن الخارجیة التي عمدتها کونها مدونة فی الكتب الأربعة، أو مأخوذة من الأصول المعتبرة مع اعتناء الأصحاب بها، و عدم إعراضهم عنها، و لا شبهة فی أن قول بعض المزکین بأن فلاناً ثقة أو غیر ذلك من الألفاظ التي اکتفوا بها فی تعديل الرواة لا یؤثر فی الوثوق أزید مما یمحصل من إخبارهم بکونه من مشایخ الإجازة، و لأجل

ما تقدّمت الإشارة إليه جرّت سيرتي على ترك النحص عن حال الرجال، والاكتفاء في توصيف الرواية بالصحة، كونها موصوفة بها في السنة مشايخنا المتقدّمين التي تفحصوا عن حالهم. (مصباح الفقيه. كتاب الصلوة، چاپ سنگی، ص ۱۲؛ چاپ حروفی، ج ۹، ص ۶۰)

۲. تضعیف مثل هاتین الروایتین منافٍ لما هو الحقّ، وعلیه المحقّق من أنّ كلّ ما قبل الأصحاب من الروایات، فهو مقبول وإن ضعف سنده. (مصباح الفقيه، کتاب الطهارة، چاپ سنگی، ص ۳۵۹)

سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۱۳۰۱-۱۳۴۸)

قال المتأخرون من المجتهدین: الخبر الصحيح ما كان راويه في كل طبقة عدلاً امامياً. وقال المتقدّمون: هو ما حصل الاطمئنان بصدوره عن المعصوم. و مرادي بالصحيح في هذا الباب (باب اول از کتاب مکیال المکارم) هو المعنى الاول، وكلّما عبّرت فيه: بسند كالصحيح أو الصحيح على بعض الوجوه، فهو الصحيح بالمعنى الثاني.

(مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۸، ط مؤسسه الإمام المهدی علیّه السلام، ۱۳۲۲. در بیان باب اول کتاب)

میرزا محمد حسین نائینی (۱۲۷۷-۱۳۵۵)

آیت الله خویی می نویسد:

از استادم مرحوم نایینی شنیدم که می گفت: إنّ المناقشة في أسناد الكافي حرفة العاجز. (معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۹)

شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹)

۱. (در مورد شیخ صدوق): اصحاب ما مراسیل او را کمتر از مراسیل ابن ابی عمیر نمی دانند.

(تحفة الاحباب، ص ۴۶۹، ذیل نام محمد بن حسین بن بابویه قمی، رقم ۶۲۶)

۲. عیسی بن المستفاد... بعضی علما او را ضعیف شمرده‌اند، ولكن اعظام شیوخ بر کتاب او اعتماد کرده‌اند و از آن کتاب نقل نموده‌اند؛ مانند: ثقة الاسلام

(کلینی) و سید رضی و سید ابن طاووس. (تحفة الاحیاب، ص ۳۷۱، رقم ۲۹۷)

۳. محدث قمی در مورد یونس بن ظبیان، بعضی اقوال را در تضعیف او آورده و سپس کلامی از محدث نوری - عطر الله مرقده - در خاتمه مستدرک در پاسخ به آن اقوال نقل می‌کند و طالبین را به آن کتاب شریف ارجاع می‌دهد. (تحفة الاحیاب،

ص ۵۸۲-۵۸۳، رقم ۷۶۲)

۴. در مورد مفصل بن عمر جعفی، بعضی اقوال را در تضعیف او آورده و پاسخ آن را به تفصیل داده است. (تحفة الاحیاب، ص ۵۱۹-۵۲۱، رقم ۶۸۹)

سید محسن امین (۱۲۸۴-۱۳۷۱)

فإن نهج البلاغة لا يحتاج إلى شاهد، بل هو الشاهد بنفسه لنفسه. (اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۷۹)

سید محمود امام جمعه زنجانی (۱۳۰۹-۱۳۷۴)

الصحيفة المطهرة القدسیة و تعرف بزبور آل محمد و انجیل أهل البيت - سلام الله عليهم - متواترة قطعية الصدور. و ناهیک اشتمالها علی لباب الإلهیات بألفاظ فی غاية الفصاحة، یمتنع صدورها عن غیر أهل العصمة. و ذلك بحمد الله تعالی عدّ من الأوّلیات عند من له إمام بالإسلام و قدم راسخ فی العلوم، حتّى أنّها أوضح صدوراً من نهج البلاغة، إذ ربّما یتعیی فی شاذّ فی غاية الندرة ممّن ختم الله علی قلبه و جعل علی بصره غشاوة، إمّا لفقدان الاستعداد العلمیّ و جبلة التحصیل و ملكة النقد أو لغریزة النّصب و الشّقاوة الذاتیة. و قد أوضح جملة من علماء العامة صحّة انتساب نهج البلاغة و أثبت بالمدارك الحیة وجود الخطب فی مصنّفات ثلثة من علماء الفریقین الذین ماتوا قبل مولد السید رضی الذین بمائة سنة، و بالغ فی ذلك

العلامة ابن أبي الحديد المعتزلي في شرحه المعروف في غير موضع من كتابه
بيانات مختلفة، فراجع.

و بالجمله لم يذكر خلافًا ما من أحد في صحّة انتساب هذا الصحيفة. ولم ينقل
ترديد فيه إلى يومنا هذا. فالغرض من ذكر الأسانيد، بعد التبرّك باسماء شيوخ العلم و
أساطين المعرفة و حملة الدين - سلام الله عليهم - هو حفظ حريم فنّ الحديث.
(حاشية نسخه خطّي صحيفة سجّاديه به خطّ ايشان، به نقل: سفینه شماره ۷، ص ۱۸۳ و ۱۸۴)

شیخ آقابرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹)

۱. محقق تهرانی توضیح می دهد که اصول اربعمائه به محضر امام رضا و جواد
- سلام الله علیهما - عرضه شده است. (الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۵۱)

وقتی اصول چهارصدگانه به محضر معصوم عرضه شود و کلینی و صدوق و
امثال آنها، از آن کتابها اخذ کنند، اگر تک تک افراد سند مربوط توثیق نشوند، همین
صحّه گذاشتن معصوم حکایت از آن دارد که این راوی توثیق نشده خلاف نگفته
است.

۲. ایشان رساله ای درباره کتاب کافی نوشته و در آن، مبانی متقدمان و متأخران را
در ارزیابی احادیث آن کتاب بیان داشته، و مبانی ثقة الاسلام کلینی را در آن توضیح
داده است. متن کامل این رساله با ترجمه فارسی آن در سفینه شماره ۲، ص ۶۷-۷۹
آمده است.

سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳-۱۳۹۵)

۱. دعای شریف ندبه، شامل اعتقادات حقّه و مستند به معصوم علیه السلام است.
علامه مجلسی در بحار [الانوار، ج ۲۲، چاپ سنگی] از طریق سید ابن طاووس از
شیخ جلیل محمدبن مشهدی - که در کتاب مزار خود نوشته متعهد است که دعاها و
زیارات این کتاب را از ثقات روات، از حضرات معصومین علیهم السلام نقل نماید - و در زاد

المعاد از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده و علامه نوری در کتاب تحفة الزائر با شرح مفصّلی آن را نقل نموده است. بعد از نقل این بزرگواران و اسناد آن به معصوم علیه السلام اطمینان کامل حاصل می‌گردد و تشکیک بعضی بی‌خبران قابل اعتنا نیست؛ به خصوص که این دعا نزد بزرگان علما، از قدیم، صحّت آن از مسلمّات بوده است؛ همچنان که شیخ بزرگ، مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری - اعلی الله مقامه - به بعضی کلمات این دعا استشهاد نموده‌اند. (دیدگاههای عمی آیت الله سید محمدحادی میلانی. به کوشش غلامرضا جلالی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی. ۱۳۸۴ ش. ص ۱۱۹)

۲. یدلّ علیه ما ذهب إليه المشهور ما رواه في المستدرک عن عوالي اللئالي قال: سئل الصادق علیه السلام فقيل له: يا بن رسول الله ما حال شيعتكم في ما خصّكم به... [الحديث مستدرک الوسائل، باب ۴ من الأنفال، ح ۳] و هذه الرواية، وإن لم تكن في مجامع الحديث التي عليها العمل، لكنّها توافق مضموماً لما ذهب إليه المشهور من الصدر الأوّل، وبذلك يحصل ما هو الملاك لحجّية الخبر، وهو الوثوق بصدوره، مضافاً إلى دلالة الروايات الآخر بعمومها التي منها رواية سالم بن مكرم عن أبي عبد الله علیه السلام في حديث يسأل الرجل...

[الحديث، وسائل، باب ۴ من الانفال، ح ۴]

(محاضرات في فقه الإمامية. ج ۴. مجلد خمس. ص ۲۰۹)

شیخ علی نمازی شاهرودی (۱۳۳۳-۱۴۰۵)

۱. ایشان در مقدمه جلد اوّل مستدرکات علم الرجال، مباحث مبسوطی در اثبات اعتبار کتب اربعه دارد. (ص ۱۹-۶۹)

۲. ایشان کتابی مستقل در همین موضوع نوشته با عنوان «الأعلام الهادية الرفیعة باعتبار الكتب الأربعة» که توسط انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ و منتشر است. تلخیص و ترجمه فارسی آن در قالب یک مقاله، در سنین شماره ۲، ص ۸۰-۱۰۸ آمده است.

امام خمینی (۱۳۲۰-۱۴۱۰)

کتاب البیع امام خمینی، ص ۴۶۸:

مرسلات الصدوق علی قسمین: أحدهما ما أرسل ونسب إلى المعصوم عليه السلام بنحو الجزم كقوله: قال اميرالمؤمنين عليه السلام كذا. و ثانيهما ما قال: روي عنه عليه السلام مثلاً. و الأول من المراسيل المعتمدة المقبولة.

[شبيهه عبارت و حید بهبهانی در مصابیح الظلام، ج ۸، ص ۱۶۵. و مع ذلك قال: قال اميرالمؤمنين عليه السلام، و لم يقل: روي عن اميرالمؤمنين عليه السلام]

آیت الله سیّد ابوالقاسم خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳)

۱- در مورد فرمان امیرالمؤمنین عليه السلام به مالک اشتر می نویسد: و العهد، و إن نقل مرسلًا إلا آثار الصدق منه لائحة. (مصباح الفنا، ج ۱، ص ۲۶۸)

۲. ضعیفة السند... إلا أن تلك التعليقات... تعليقات صحيحة، فلا بأس بالتمسك بها. (همان، ص ۲۳۶)

۳. ... و من البديهي أن الصحيفة [السجادية] وصلت إلينا بسند معتبر. (همان، ص ۲۳۶)

۴. در مواضع مکرر، با وجود ضعف سند حدیث، حکم بر صحت متن حدیث می کند. (همان، پاورقی ص ۲۵۱، و متن ص ۲۶۸ و ۲۳۶)

۵. استناد به جملاتی از زیارت جامعه کبیره و استخراج حکم فقهی از آن. (همان، ص ۳۲۳)

سیّد احمد روضاتی (معاصر)

صدور ادعیه الصحيفة الكاملة السجادية المعروفة - و هي التي بين يديك - من إنشاء الإمام السجّاد زين العابدين عليّ بن الحسين عليه السلام، ممّا لاشكّ فيه و لاشبهة تعتریه، لكونها مشتملة على حقائق المعرفة و الحكمة. و فيها عبثة من كلام النبوة و

قبس من نور مشكاة الإمامة. فهي كالصحف الإلهية السماوية. ولذا عبّروا عنه تارة بزبور آل محمد وأخرى بإنجيل أهل البيت وثالثة بأخت القرآن، تجاه نهج البلاغة الذي هو أخ القرآن، لأن القرآن هو كتاب نازل، وهذه الصحيفة والأدعية قرآن صاعد.

فقد تواتر نقل الصحيفة الكاملة عن سيّد الساجدين عليه السلام. ولذا استدلّ بها فقهاؤنا الأكابر وأعظم المجتهدين، أمثال صاحب الجواهر في مقام الاستنباط، كما في صلاة الجمعة.

فتواتر الصحيفة الكاملة مغنى عن ذكر إسنادها مع أنّ الطرق إلى روايتها كثيرة... و بالجملة تواتر الطرق وقوة دلالة المتن على صدوره عن المعصوم عليه السلام يغنيها عن الإطالة في المقام. وقد بسطنا الكلام حولها في كتابنا «المستدرکات سلی روضات الجنّات».

(مقدمه ایشان بر نسخه چاپ عکس صحیفه سجّادیه به خط میر ابوالقاسم کبیر، بنگرید: سفینه.

شماره ٧، ص ١٨٧-١٨٩)